

احکام خمس

مسئله ۱۸۲۰- در هفت چیز خمس واجب می شود: اول: منفعت کسب. دوم: معدن. سوم: گنج. چهارم: مال حلال مخلوط به حرام. پنجم: جواهری که بواسطه غَوَاصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید. ششم: غنیمت جنگ. هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. و احکام اینها مفصلاً گفته خواهد شد.

منفعت کسب

مسئله ۱۸۲۱- هرگاه انسان از تجارت یا صنعت، یا کسبه‌های دیگر مالی به دست آورد، اگرچه مثلاً نماز و روزه می‌تی را بجا آورد و از اجرت آن، مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس، یعنی یک پنجم آن را به دستوری که بعد آگفته می شود بدهد.

مسئله ۱۸۲۲- اگر از غیر کسب مالی به دست آورد، مثلاً چیزی به او ببخشند در صورتی که از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۲۳- مهریه‌ای را که زن می‌گیرد چنانچه صدق فایده کند خمس دارد. و در هر صورت احتیاط در پرداخت خمس آن است.

مسئله ۱۸۲۴- ارثی که به انسان می‌رسد خمس ندارد، اما اگر ارث، زیاد شود یا افزایش قیمت پیدا کند باید خمس اضافه شده و قیمت افزوده را بدهد.

مسئله ۱۸۲۵- اگر با کسی خویشاوندی دوری داشته باشد و نداند چنین خویشی دارد، احتیاط واجب آن است خمس ارثی را که از او بُرده اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بدهد.

مسئله ۱۸۲۶- اگر مالی از راه ارث به او برسد و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده، باید خمس آن را بدهد، و نیز اگر در خود آن مال خمس نباشد ولی انسان بداند کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او بدهد.

مسئله ۱۸۲۷- اگر بواسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد و همچنین است اگر زیادتیر از متعارف و شأن خود مصرف کند که خمس مقدار زائد واجب است.

مسئله ۱۸۲۸- کسی که دیگری مخارج او را می دهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می آورد بدهد. ولی اگر مقداری از آن را خرج زیارت و مانند آن کرده باشد فقط باید خمس باقی مانده را بدهد.

مسئله ۱۸۲۹- اگر ملکی را بر افراد معینی مثلاً بر اولاد خود وقف نماید، چنانچه در آن ملک زراعت و درختکاری کنند و از آن، چیزی به دست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهند حتی اگر طور دیگری از آن ملک نفع ببرند مثل اجاره دادن، در این صورت هم بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۳۰- اگر مالی را که فقیر بابت خمس و زکات و صدقه مستحقی گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید، واجب است خمس آن را بدهد. و اگر از مالی که به او داده اند منفعتی ببرد مثلاً از درختی که بابت خمس به او داده اند میوه ای به دست آورد چنانچه درخت را برای منفعت بردن نگهداشته باشد، باید خمس مقداری که از مخارج سالش زیاد می آید بدهد.

مسئله ۱۸۳۱- اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد یعنی به فروشنده بگوید این جنس را به این پول می خرم یا در وقت خریدن قصدش این باشد که از پول خمس نداده عوض آن را بدهد معامله نسبت به جمیع مال صحیح است و انسان باید یک پنجم جنسی را که خریده به حاکم شرع بدهد.

مسئله ۱۸۳۲- اگر جنسی را بخرد و بعد از معامله قیمت آن را از پول خمس نداده بدهد معامله ای که کرده صحیح است. ولی چون از پولی که خمس در آن است به فروشنده داده به مقدار یک پنجم آن پول به صاحبان خمس مدیون است و باید به حاکم شرع بپردازد.

مسئله ۱۸۳۳- اگر مالی را که خمس آن داده نشده بخرد چنانچه حاکم شرع معامله یک پنجم آن را اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می تواند یک پنجم آن مال را بگیرد. و اگر اجازه بدهد معامله صحیح است و خریدار باید مقدار یک پنجم پول آن را به حاکم شرع بدهد، و اگر به فروشنده داده می تواند از او پس بگیرد.

مسئله ۱۸۳۴- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند یک پنجم آن چیز مال او نمی شود.

مسئله ۱۸۳۵- اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد، مالی به دست انسان آید، واجب نیست خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۳۶- تاجر و کاسب و صنعتگر و مانند اینها از وقتی که شروع به کاسبی می کنند یک سال که بگذرد، باید خمس آنچه را که از خرج سالشان زیاد می آید بدهند و کسی که شغلش کاسبی نیست، اگر اتفاقاً معامله ای کند و منفعتی ببرد، بعد از آن که یک سال از موقعی که فایده برده بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.

مسئله ۱۸۳۷- انسان می تواند در بین سال هر وقت منفعتی به دستش آید، خمس آن را بدهد، و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس، سال شمسی قرار دهد، مانعی ندارد.

مسئله ۱۸۳۸- کسی که مانند تاجر و کاسب باید برای دادن خمس، سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسر کنند و خمس باقیمانده را بدهند.

مسئله ۱۸۳۹- اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و آن را نفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست.

مسئله ۱۸۴۰- اگر قیمت جنسی را که برای تجارت خریده بالا رود و به امید این که قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال آن را نفروشد و قیمتش پایین آید در صورتی که می توانست آن را بفروشد، واجب است خمس آن را بدهد. بلکه اگر به اندازه ای هم نگه داشته که تجار معمولاً برای گران شدن جنس آن را نگه می دارند، خمس مقداری که بالا رفته باید بدهد.

مسئله ۱۸۴۱- اگر غیر مال التجاره مالی داشته باشد که خمسش را داده یا خمس ندارد چنانچه قیمتش بالا رود اگر آن را بفروشد مقداری که بر قیمتش اضافه شده، خمس دارد. و همچنین اگر درختی که خریده نمو کند و بزرگ شود و یا گوسفندی که خریده چاق شود اگر بر زیاده، سال گذشت خمس آن را باید بدهد.

مسئله ۱۸۴۲- باغ حکم سرمایه دارد بنابر این اگر باغی احداث کند خمس درخت ها و میوه و نمو درخت ها و زیادی قیمت باغ را باید بدهد. مگر آن که باغچه ای را به عنوان استفاده خود و خانواده اش از میوه و سایه آن داشته باشد.

مسئله ۱۸۴۳- اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بکارد، سالی که موقع فروش آنها است اگرچه آنها را نفروشد، باید خمس آنها را بدهد و همچنین اگر مثلاً از شاخه های آن که معمولاً هر سال می بُرنند، استفاده ای ببرد و به تنهایی یا با منفعت های دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید، در آخر هر سال باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۴۴- کسی که چند رشته کسب دارد مثلاً اجاره ملک می گیرد و خرید و فروش و زراعت هم می کند، چنانچه در هر رشته کسبی که دارد سرمایه و دخل و خرج و حساب صندوق

جداگانه دارد، باید منافع همان رشته را حساب کند و خمس آن را بدهد، و اگر در آن رشته ضرر کند بنابر احتیاط واجب از رشته دیگر جبران نمی شود، و اگر رشته های مختلف، در دخل و خرج و حساب صندوق، یکی باشند باید همه را آخر سال یک جا حساب کند و اگر نفع داشت خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۴۵- خرج هایی را که انسان برای به دست آوردن فایده می کند، از فایده کسر می شود و خمس ندارد.

مسئله ۱۸۴۶- آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و عروسی و جهیزیه دختر و زیارت و مانند اینها می رساند، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد، خمس ندارد.

مسئله ۱۸۴۷- مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می رساند، جزء مخارج سالیانه است و نیز مالی را که به کسی می بخشد یا جایزه می دهد در صورتی که از شأن او زیاد نباشد، از مخارج سالیانه حساب می شود.

مسئله ۱۸۴۸- چیز هایی را که انسان به آن احتیاج دارد مانند خانه، اثاثیه و جهیزیه دختر، اگر نمی تواند یک جا تهیه کند ولی تدریجاً می تواند تهیه کند خمس ندارد؛ مثلاً امسال مقداری آهن و سال دیگر آجر و ... خریده، حتی اگر پول آن را هم پس انداز کند برای مدت کمی مثلاً سه یا چهار سال (نه برای مدت طولانی مثل بیست سال) و پس انداز کردن هم به نیت خرید و سایل ضروری باشد، باز هم خمس ندارد.

مسئله ۱۸۴۹- مالی را که خرج سفر حج و زیارت های دیگر می کند از مخارج سالی حساب می شود که در آن سال شروع به سفر کرده گرچه سفر او تا مقداری از سال بعد طول بکشد.

مسئله ۱۸۵۰- کسی که از کسب و تجارت فایده ای برده، اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست، می تواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب حساب کند.

مسئله ۱۸۵۱- اگر از منفعت کسب آذوقه ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد باید قیمت آخر سال را حساب کند.

مسئله ۱۸۵۲- اگر از منفعت کسب، پیش از دادن خمس، اثاثیه ای برای منزل بخرد، چنانچه در بین سال احتیاجش از آن برطرف شود، واجب است که خمس آن را بدهد. و همچنین است زیور آلات زنانه، اگر در بین سال وقت زینت کردن به آنها بگذرد.

مسئله ۱۸۵۳- اگر در یک سال منفعتی نبرد، نمی تواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد می برد کسر نماید.

مسئله ۱۸۵۴- اگر در اوّل سال منفعتی نبرد و از سرمایه خرج کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی به دستش آید، می تواند مقداری را که از سرمایه برداشته، از منافع کسر کند.

مسئله ۱۸۵۵- اگر مقداری از سرمایه از بین برود و از باقی مانده آن منفعتی ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید، می تواند مقداری را که از سرمایه کم شده، بردارد. ولی احتیاط مستحب آن است که بر ندارد.

مسئله ۱۸۵۶- اگر غیر از سرمایه چیز دیگری از مالهای او از بین برود، نمی تواند از منفعتی که به دستش می آید آن چیز را تهیه کند ولی اگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشد، می تواند در بین سال از منافع کسب آن را تهیه نماید.

مسئله ۱۸۵۷- اگر در اوّل سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، می تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.

مسئله ۱۸۵۸- اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند می تواند از منافع سالهای بعد، قرض خود را ادا نماید.

مسئله ۱۸۵۹- اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند نمی تواند از منافع کسب، آن قرض را بدهد ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود و ناچار شود که قرض خود را بدهد، می تواند از منافع کسب، قرض را ادا نماید.

مسئله ۱۸۶۰- خمس مال حلال مخلوط به حرام و همچنین خمس چیزهای دیگر را می تواند از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است پول بدهد.

مسئله ۱۸۶۱- تا خمس مال را ندهد نمی تواند در آن مال تصرف کند اگرچه قصد دادن خمس را داشته باشد.

مسئله ۱۸۶۲- کسی که خمس بدهکار است در صورتی می تواند در مال تصرف کند که با حاکم شرع مصالحه کند و به ذمه بگیرد و چنانچه بعد از مصالحه کردن و به ذمه گرفتن منفعتی به دست آید، مال خود اوست.

مسئله ۱۸۶۳- کسی که با دیگری شریک است، اگر خمس منافع خود را بدهد ولی شریکش خمس ندهد و در سال بعد، از مالی که خمسش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد هیچ کدام نمی توانند در آن تصرف کنند مگر این که مجتهد اجازه دهد.

مسئله ۱۸۶۴- اگر بچه صغیر سرمایه ای داشته باشد و از آن منفعتی به دست آید بنابر احتیاط واجب بعد از آن که بالغ شد، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۶۵- انسان نمی تواند در مالی که یقین دارد خمسش را نداده اند تصرف کند، ولی در مالی که شک دارد خمس آن را داده اند یا نه، می تواند تصرف نماید.

مسئله ۱۸۶۶- کسی که از اوّل تکلیف خمس نداده، اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالا رود، چنانچه آن ملک را برای آن نخریده که قیمتش بالا رود و بفروشد مثلاً زمینی را برای زراعت خریده است و از پول خمس نداده قیمت آن را داده، باید خمس قیمتی را که خریده بدهد و اگر مثلاً پول خمس نداده را به فروشنده داده و به او گفته این ملک را با این پول می خرم، باید خمس مقداری را که آن ملک فعلاً ارزش دارد بدهد.

مسئله ۱۸۶۷- کسی که از اوّل تکلیف، خمس نداده اگر از منافع کسب، چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته باید خمس آن را بدهد و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد مطابق شأن خود خریده، پس اگر بداند در بین سالی که در آن سال فایده برده آنها را خریده لازم نیست خمس آنها را بدهد، و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنابر احتیاط واجب باید با حاکم شرع مصالحه کند.

معدن

مسئله ۱۸۶۸- اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، زغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدنهای دیگر، چیزی بدست آورد در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۶۹- نصاب معدن بنابر احتیاط پانزده مثقال معمولی طلاست، یعنی اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۵ مثقال طلا برسد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۷۰- استفاده ای که از معدن برده، اگر قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵۵ مثقال طلا نرسد، خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی یا با منفعت های دیگر کسب او از مخارج سالش زیاد بیاید.

مسئله ۱۸۷۱- گچ و آهک و گل سرشور و گل سرخ، بنابر احتیاط واجب از معدن محسوب است و خمس دارد.

مسئله ۱۸۷۲- کسی که از معدن چیزی به دست می آورد، باید خمس آن را بدهد چه معدن روی زمین باشد، یا زیر آن، در زمینی باشد که ملک است، یا در جایی باشد که مالک ندارد.

مسئله ۱۸۷۳- اگر نداند چیزی را که از معدن بیرون آورده به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵۵ مثقال طلا می رسد یا نه، بنابر احتیاط واجب باید به وزن کردن یا از راه دیگر، قیمت آن را معلوم کند.

مسئله ۱۸۷۴- اگر چند نفر چیزی از معدن بیرون آورند، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای

آن کرده‌اند، اگر سهم هر کدام آنها به ۱۰ مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا برسد، باید خمس آن را بدهند.

مسئله ۱۸۷۵- اگر معدنی را که در ملک دیگری است بدون اجازه مالک بیرون آورد، آنچه از آن به دست می‌آید، مال صاحب ملک است و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده، باید خمس تمام آنچه را که از معدن بیرون آمده در صورتی که به حد نصاب برسد بدهد.

گنج

مسئله ۱۸۷۶- گنج مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن، گنج بگویند.

مسئله ۱۸۷۷- اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند، مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۷۸- نصاب گنج ۱۰ مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج به دست می‌آورد، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۰ مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا برسد، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۷۹- اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده‌اند نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد ولی اگر احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد و چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید به کسی که پیش از او مالک زمین بوده اطلاع دهد و به همین ترتیب به تمام کسانی که پیش از او مالک زمین بوده‌اند خبر دهد و اگر معلوم شود مال هیچ یک آنان نیست مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۸۰- اگر در ظرفهای متعددی که در یک جا دفن شده مالی را پیدا کند که قیمت آنها روی هم ۱۰ مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا باشد، باید خمس آن را بدهد ولی چنانچه در چند جا گنج پیدا کند، هر کدام آنها که قیمتش به این مقدار برسد، خمس آن واجب است و گنجی که قیمت آن به این مقدار نرسیده خمس ندارد.

مسئله ۱۸۸۱- اگر دو نفر گنجی پیدا کنند که قیمت سهم هر یک از آنان به ۱۰ مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا برسد، باید خمس آن را بدهند.

مسئله ۱۸۸۲- اگر کسی حیوانی را بخرد و در شکم آن مالی پیدا کند چنانچه احتمال دهد که مال

فروشنده است، بنابر احتیاط واجب باید به او خبر دهد و اگر معلوم شود مال او نیست، باید به ترتیب، صاحبان قبلی آن را خبر کند و چنانچه معلوم شود که مال هیچ یک آنان نیست، مال خود اوست و خمس آن واجب نیست مگر آن که از سر سال اضافه بیاورد.

مال حلال مخلوط به حرام

مسئله ۱۸۸۳- اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می شود.

مسئله ۱۸۸۴- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند، ولی صاحب آن را شناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد.

مسئله ۱۸۸۵- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند ولی صاحبش را بشناسد باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال اوست و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال او است به او بدهد، و احتیاط مستحب آن است مقدار بیشتری را که احتمال می دهد مال او است به او بدهد.

مسئله ۱۸۸۶- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابر احتیاط مستحب مقداری را که می داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.

مسئله ۱۸۸۷- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، یا مالی که صاحبش را نمی شناسد به نیت او صدقه بدهد، بعد از آن که صاحبش پیدا شد لازم نیست چیزی به او بدهد.

مسئله ۱۸۸۸- اگر مال حلالی با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست ولی نتواند بفهمد کیست، به احتیاط واجب باید از تمام آنان تحصیل رضایت نماید و اگر ممکن نگردید باید قریه بیندازد و به نام هر کس افتاد، مال را به او بدهد.

جواهری که به واسطه غوص در دریا به دست می آید

مسئله ۱۸۸۹- اگر بواسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگری که با فرو رفتن در دریا بیرون می آید بیرون آورند، روئیدنی باشد، یا معدنی، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بیرون آوردن آن کرده اند، قیمت آن به هجده نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهند، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشند یا در چند دفعه، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس، ولی اگر چند نفر آن را بیرون آورده باشند هر کدام آنان که قیمت سهمش به هجده نخود طلا برسد فقط او باید خمس بدهد.

مسئله ۱۸۹۰- اگر بدون فرو رفتن در دریا به وسیله اسبابی جواهر بیرون آورد یا از روی آب دریا، یا از کنار دریا جواهر بگیرد، در صورتی باید خمس آن را بدهد که این کار شغلش باشد و از مخارج سالش به تنهایی یا با منفعت های دیگر زیاد بیاید.

مسئله ۱۸۹۱- خمس ماهی و حیوانات دیگری که انسان بدون فرو رفتن در دریا می گیرد در صورتی واجب است که برای کسب بگیرد و به تنهایی یا با منفعت های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

مسئله ۱۸۹۲- اگر انسان بدون قصد این که چیزی از دریا بیرون آورد در دریا فرو رود و اتفاقاً جواهری به دستش آید در صورتی که قصد کند که آن چیز ملکش باشد باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۹۳- اگر انسان در دریا فرو رود و حیوانی را بیرون آورد و در شکم آن جواهری پیدا کند که قیمتش هجده نخود طلا یا بیشتر باشد چنانچه آن حیوان مانند صدف باشد که نو عاً در شکمش جواهر است، باید خمس آن را بدهد و اگر اتفاقاً جواهر بلعیده باشد احتیاط آن است که حکم گنج را در آن جاری کنند.

مسئله ۱۸۹۴- اگر در رودخانه های بزرگ مانند دجله و فرات فرو رود و جواهری بیرون آورد، چنانچه در آن رودخانه جواهر عمل می آید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۹۵- اگر در آب فرو رود و مقداری عنبر بیرون آورد که قیمت آن هجده نخود طلا یا بیشتر باشد، باید خمس آن را بدهد. و چنانچه از روی آب یا از کنار دریا به دست آورد، اگر قیمت آن به مقدار هجده نخود طلا هم نرسد در صورتی که این کار کسبش باشد و به تنهایی یا با منفعت های دیگر او از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۹۶- کسی که کسبش غواصی یا بیرون آوردن معدن است اگر خمس آنها را بدهد و چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید، لازم نیست دوباره خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۹۷- اگر بچه‌ای معدنی را بیرون آورد یا مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد یا گنجی پیدا کند، یا بواسطه فرو رفتن در دریا جواهری بیرون آورد، ولی او باید خمس آنها را بدهد و اگر ندهد خودش باید پس از بلوغ خمس آن را بدهد.

غنیمت

مسئله ۱۸۹۸- اگر مسلمانان به امر امام علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، به آنها غنیمت گفته می‌شود و مخارجی را که برای غنیمت کرده‌اند، مانند مخارج نگهداری و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام علیه السلام است باید از غنیمت کنار بگذارند و خمس بقیه آن را بدهند. و آنچه در زمان غیبت امام علیه السلام در جنگ از کفار گرفته می‌شود بنابر احتیاط نیز حکم غنیمت را دارد.

زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

مسئله ۱۸۹۹- اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از همان زمین بدهد. و اگر پول آن را هم بدهد اشکال ندارد، ولی اگر غیر از پول چیز دیگر بدهد، باید به اذن حاکم شرع باشد و نیز اگر خانه و دکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد، چنانچه زمین آن را جداگانه قیمت کنند و بفروشند باید خمس زمین آن را بدهد. و اگر خانه و دکان را روی هم بفروشند و زمین به تبع آن منتقل شود خمس زمین واجب نیست. و در دادن این خمس قصد قربت لازم نیست، بلکه حاکم شرع هم که خمس را از او می‌گیرد لازم نیست قصد قربت نماید.

مسئله ۱۹۰۰- اگر کافر ذمی زمینی را که از مسلمان خریده به مسلمان دیگری هم بفروشد، باید خمس آن را بدهد و نیز اگر بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او ارث ببرد، باید خمس آن را از همان زمین، یا از مال دیگرش بدهند.

مسئله ۱۹۰۱- اگر کافر ذمی موقع خرید زمین شرط کند که خمس ندهد، یا شرط کند که فروشنده خمس آن را بدهد، شرط او صحیح نیست و باید خمس را بدهد، ولی اگر شرط کند که فروشنده مقدار خمس را از طرف او به صاحبان خمس بدهد اشکال ندارد.

مسئله ۱۹۰۲- اگر مسلمان زمینی را به غیر خرید و فروش، ملک کافر کند و عوض آن را بگیرد، مثلاً به او صلح نماید، بنابر احتیاط واجب در ضمن عقد با کافر ذمی شرط کند که خمس آن را بدهد.

مسألة ١٩٠٣- اگر کافر ذمی صغیر باشد و ولی او برایش زمینی بخرد ولی او باید خمسش را بدهد.

مصرف خمس

مسئله ۱۹۰۴- خمس را باید دو قسمت کنند: یک قسمت آن سهم سادات است و بنابر احتیاط مستحب با اذن مجتهد به سید فقیر یا سید یتیم یا به سیدی که در سفر در مانده شده بدهند. و نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرایط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می دهد برسانند. ولی اگر انسان بخواهد سهم امام علیه السلام را به مجتهدی که از او تقلید نمی کند بدهد، در صورتی به او اذن داده می شود که بداند آن مجتهد و مجتهدی که از او تقلید می کند، سهم امام علیه السلام را به یک طور مصرف می کنند.

مسئله ۱۹۰۵- سید یتیمی که به او خمس می دهند، باید فقیر باشد ولی به سیدی که در سفر در مانده شده، اگر در وطنش فقیر نباشد می شود خمس داد.

مسئله ۱۹۰۶- به سیدی که در سفر در مانده شده، اگر سفر او سفر معصیت باشد بنابر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

مسئله ۱۹۰۷- به سیدی که عادل نیست می شود خمس داد ولی به سیدی که دوازده امامی نیست، نباید خمس بدهند.

مسئله ۱۹۰۸- به سیدی که معصیت کار است، اگر خمس دادن کمک به معصیت او باشد، نمی شود خمس داد و بهتر آن است به سیدی هم که آشکارا معصیت می کند، اگرچه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، خمس ندهند.

مسئله ۱۹۰۹- اگر کسی بگوید سیدم نمی شود به او خمس داد مگر آن که دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند یا در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است.

مسئله ۱۹۱۰- به کسی که در شهر خودش مشهور باشد سید است، اگرچه انسان به سید بودن او یقین نداشته باشد، می شود خمس داد.

مسئله ۱۹۱۱- کسی که زنش سیده است بنابر احتیاط واجب نباید به او خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند، ولی اگر مخارج دیگری دارد که به آن محتاج است و بر شوهرش واجب نیست، جایز است شوهر از بابت خمس به زن بدهد که به مصرف آن مخارج برساند.

مسئله ۱۹۱۲- اگر مخارج سیدی که زوجه انسان نیست بر انسان واجب باشد، بنابر احتیاط واجب نمی تواند از خمس، خوراک و پوشاک او را بدهد، ولی اگر مقداری خمس ملک او کند که به

مصرف دیگری غیر مخارج خودش که بر خمس دهنده واجب است برساند مانعی ندارد.
مسئله ۱۹۱۳- به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است و او نمی تواند مخارج آن سید را بدهد، می شود خمس داد.

مسئله ۱۹۱۴- احتیاط مستحب آن است که بیشتر از مخارج یک سال به یک سید فقیر خمس ندهند.

مسئله ۱۹۱۵- اگر در شهر انسان سید مستحق نباشد و احتمال هم ندهد که پیدا شود، یا نگهداری خمس تا پیدا کردن مستحق، ممکن نباشد، باید خمس را به شهر دیگری برود و به مستحق برساند و می تواند مخارج بردن آن خمس را بردارد و اگر خمس از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده، باید عوض آن را بدهد و اگر کوتاهی نکرده، چیزی بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۱۶- هرگاه در شهر خودش مستحق نباشد ولی احتمال دهد که پیدا شود اگرچه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن باشد می تواند خمس را به شهر دیگری برود، و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود، نباید چیزی بدهد. ولی نمی تواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد.

مسئله ۱۹۱۷- اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، باز هم می تواند خمس را به شهر دیگر برود و به مستحق برساند، ولی مخارج بردن آن را باید از خودش بدهد و در صورتی که خمس از بین برود، اگرچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست.

مسئله ۱۹۱۸- اگر با اذن حاکم شرع خمس را به شهر دیگر برود و از بین برود لازم نیست دوباره خمس بدهد و همچنین است اگر به کسی بدهد که از طرف حاکم شرع وکیل بوده که خمس را بگیرد و از آن شهر به شهر دیگر برود.

مسئله ۱۹۱۹- اگر خمس را از خود مال ندهد و از جنس دیگر بدهد، به احتیاط واجب باید از حاکم شرع اجازه بگیرد و باید به قیمت واقعی آن جنس حساب کند، و چنانچه گرانتر از قیمت حساب کند، اگرچه مستحق، به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده بدهد.

مسئله ۱۹۲۰- کسی که از مستحق طلبکار است می تواند طلب خود را بابت خمس حساب کند.

مسئله ۱۹۲۱- مستحق نمی تواند خمس را بگیرد و به مالک ببخشد، ولی کسی که مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و امید چیزدار شدنش هم نمی رود و می خواهد مدیون اهل خمس نباشد، اگر مستحق راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد اشکال ندارد.

مسئله ۱۹۲۲- اگر خمس را با حاکم شرع یا وکیل او یا با سید، دست گردان کند و بخواهد در سال

بعد پردازد، نمی تواند از منافع آن سال کسر نماید، پس اگر مثلاً هزار تومان دست گردان کرده و از منافع سال بعد دو هزار تومان بیشتر از مخارجش داشته باشد، باید خمس دو هزار تومان را بدهد، و هزار تومانی را که بابت خمس بدهکار است، از بقیه پردازد.

احکام زکات

مسئله ۱۹۲۳ زکات نه چیز واجب است: اول: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند. و اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می شود باید مقداری که معین شده به یکی از مصرفهایی که دستور داده اند برساند.

مسئله ۱۹۲۴ - سئلت که دانه ای است به نرمی گندم و خاصیت جو دارد زکات ندارد، ولی «عَلَس» که مثل گندم است و خوراک مردمان صنعا بوده در صورتی که به آنها جو و گندم بگویند زکاتش واجب و در غیر این صورت واجب نیست.

شرایط واجب شدن زکات

مسئله ۱۹۲۵ زکات در صورتی واجب می شود که مال به مقدار نصاب که بعداً گفته می شود برسد و مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف کند.

مسئله ۱۹۲۶ - بعد از آن که انسان دوازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره بود، باید زکات آن را بدهد. ولی از اول ماه دوازدهم نمی تواند طوری در مال تصرف کند که مال از بین برود و اگر تصرف کند ضامن است و چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختیار او بعضی از شرطهای زکات از بین برود زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۲۷ - اگر مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال بالغ شود، زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۲۸ - زکات گندم و جو وقتی واجب می شود که به آنها گندم و جو گفته شود و زکات کشمش بنابر احتیاط وقتی واجب می شود که غوره است، و موقعی هم که خرما قدری خشک شود که به او تمر بگویند زکات آن واجب می شود. ولی وقت دادن زکات در گندم و جو موقع

خرمن شدن و جدا کردن گاه آنها و در خرما و کشمش موقعی است که خشک شده باشند.
مسئله ۱۹۲۹- اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و کشمش و خرما که در مسئله پیش گفته شد، صاحب آنها بالغ باشد، باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۱۹۳۰- اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نیست. ولی اگر در مقداری از سال دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد چنانچه دیوانگی او به قدری کم باشد که مردم بگویند در تمام سال عاقل بوده بنابر احتیاط، زکات بر او واجب است.

مسئله ۱۹۳۱- اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست یا بیهوش شود، زکات از او ساقط نمی شود. و همچنین است اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و خرما و کشمش مست یا بیهوش باشد.

مسئله ۱۹۳۲- مالی را که از انسان غصب کرده اند و نمی توانند در آن تصرف کنند زکات ندارد، و نیز اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعی که زکات آن واجب می شود در دست غصب کننده باشد، موقعی که به صاحبش برمی گردد زکات ندارد.

مسئله ۱۹۳۳- اگر طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکات آن واجب است قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکات آن را بدهد و بر کسی که قرض داده چیزی واجب نیست.

زکات گندم، جو، خرما و کشمش

مسئله ۱۹۳۴- زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۲۸۸ من تبریز ۴۵ مثقال کم است که ۶۶ / ۸۴۷ کیلوگرم می شود.

مسئله ۱۹۳۵- اگر پیش از دادن زکات از انگور بعد از کشمش شدن، و خرما بعد از تمر شدن و جو و گندم بعد از صدق اسم، که زکات آنها واجب شده، خود و عیالاتش بخورند، یا مثلاً به فقیر بدهد، باید زکات مقداری را که مصرف کرده بدهد.

مسئله ۱۹۳۶- اگر بعد از آن که زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد، باید مقدار زکات را از مال او بدهند. ولی اگر پیش از واجب شدن زکات بمیرد، هر یک از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است، باید زکات سهم خود را بدهد.

مسئله ۱۹۳۷- کسی که از طرف حاکم شرع مأمور جمع آوری زکات است، موقع خرمن که گندم و جو را از گاه جدا می کنند و بعد از خشک شدن خرما و انگور، می تواند زکات را مطالبه کند، و اگر مالک ندهد و چیزی که زکات آن واجب شده، از بین برود باید عوض آن را بدهد.

مسئله ۱۹۳۸- اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو زکات آنها واجب شود، باید زکات آن را بدهد.

مسئله ۱۹۳۹- اگر بعد از آن که زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد، زراعت و درخت را بفروشد، باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۱۹۴۰- اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکات آن را داده، یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست. و اگر بداند که زکات آن را نداده، چنانچه حاکم شرع معامله مقداری را که باید از بابت زکات داده شود، اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است. و حاکم شرع می تواند مقدار زکات را از خریدار بگیرد و اگر معامله مقدار زکات را اجازه دهد، معامله صحیح است. و خریدار باید قیمت آن مقدار را به حاکم شرع بدهد و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد، می تواند از او پس بگیرد.

مسئله ۱۹۴۱- اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش موقعی که تراست به ۲۸۸ من ۴۵ مثقال کم برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکات آن واجب نیست.

مسئله ۱۹۴۲- اگر گندم و جو و خرما را پیش از خشک شدن مصرف کند اگرچه خشک آنها به اندازه نصاب باشد، زکات آنها واجب نیست ولی اگر احتیاطاً زکات آنها را بدهد، خیلی پسندیده است.

مسئله ۱۹۴۳- خرمایی که تازه آن را می خورند و اگر بماند خیلی کم می شود چنانچه مقداری باشد که خشک آن به ۲۸۸ من ۴۵ مثقال کم برسد، زکات آن واجب است.

مسئله ۱۹۴۴- گندم و جو و خرما و کشمش که زکات آنها را داده اگر چند سال هم نزد او بماند زکات ندارد.

مسئله ۱۹۴۵- اگر گندم و جو و خرما و انگور، هم از آب باران مشروب شود و هم از آب دلو و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند با دلو آبیاری شده نه باران، زکات آن یک بیستم است و اگر بگویند با آب باران آبیاری شده، زکات آن یک دهم است.

مسئله ۱۹۴۶- اگر گندم و جو و خرما و انگور، هم از آب باران مشروب شود و هم از آب دلو و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند آبیاری با دلو و مانند آن غلبه داشته، زکات آن یک بیستم است؛ و اگر بگویند آبیاری با آب نهر و باران غلبه داشته زکات آن یک دهم است بلکه اگر نگویند آب باران و نهر غلبه داشته ولی آبیاری با آب باران و نهر بیشتر از آب دلو و مانند آن باشد، زکات آن یک دهم است.

مسئله ۱۹۴۷- اگر شک کند که آبیاری با آب باران شده یا آبیاری به دلو، یک بیستم بر او واجب می شود.

مسئله ۱۹۴۸- اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران و نهر مشروب شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد ولی با آب دلو هم آبیاری شود و آب دلو به زیاد شدن محصول کمک نکند زکات آن یک‌دهم است و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود و به آب نهر و باران محتاج نباشد ولی با آب نهر و باران هم مشروب شود و آنها به زیاد شدن محصول کمک نکنند، زکات آن یک‌بیستم است.

مسئله ۱۹۴۹- اگر زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنند و در زمینی که پهلوی آن است زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود زکات زراعتی که با دلو آبیاری شده، یک‌بیستم و زکات زراعتی که پهلوی آن است، یک‌دهم می‌باشد.

مسئله ۱۹۵۰- مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده است حتی مقداری از قیمت اسباب و لباس را که به واسطه زراعت کم شده، می‌تواند از حاصل کسر کند. و چنانچه پس از کم کردن اینها به ۲۸۸ من ۴۵ مثقال کم برسد، باید زکات باقیمانده آن را بدهد.

مسئله ۱۹۵۱- قیمت بذر را در وقتی که برای زراعت پاشیده می‌تواند جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۹۵۲- اگر زمین و اسباب زراعت یا یکی از این دو، ملک خود او باشد، نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند؛ و نیز برای کارهایی که خودش کرده یا دیگری بی اجرت انجام داده، چیزی از حاصل کسر نمی‌شود.

مسئله ۱۹۵۳- اگر درخت انگور یا خرما را بخرد، قیمت آن جزء مخارج نیست ولی اگر خرما یا انگور را پیش از تعلق گرفتن زکات بخرد، پولی را که برای آن داده جزء مخارج حساب می‌شود.

مسئله ۱۹۵۴- اگر زمینی را بخرد و در آن زمین گندم یا جو بکارند، پولی را که برای خرید زمین داده جزء مخارج حساب نمی‌شود. ولی اگر زراعت را قبل از تعلق زکات بخرد، پولی را که برای خرید آن داده می‌تواند جزء مخارج حساب نماید و از حاصل کم کند، اما باید قیمت کاهی را که از آن به دست می‌آید، از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید مثلاً اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و قیمت کاه آن صد تومان باشد، فقط چهارصد تومان آن را می‌تواند جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۹۵۵- کسی که بدون گاو و چیزهای دیگر که برای زراعت لازم است می‌تواند زراعت کند، اگر اینها را بخرد، نباید پولی را که برای خرید اینها داده جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۹۵۶- کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است نمی‌تواند زراعت کند، اگر آنها را بخرد و بواسطه زراعت، به کلی از بین بروند، می‌تواند تمام قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود، می‌تواند آن مقدار را جزء مخارج

حساب کند ولی اگر بعد از زراعت، چیزی از قیمتشان کم نشود، نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۹۵۷- اگر در یک زمین، جو و گندم و چیزی مثل برنج و لوبیا که زکات آن واجب نیست بکارند، خرجهایی که برای هر کدام آنها کرده و فقط پای همان، حساب می شود؛ ولی اگر برای هر دو مخارجی کرده باید به هر دو، قسمت نماید، مثلاً اگر هر دو به یک اندازه بوده، می تواند نصف مخارج را از جنسی که زکات دارد کسر نماید.

مسئله ۱۹۵۸- اگر برای سال اول، عملی مانند شخم زدن انجام دهد اگرچه برای سالهای بعد هم فایده داشته باشد، باید مخارج آن را از سال اول کسر کند، ولی اگر برای چند سال عمل کند باید بین آنها تقسیم نماید.

مسئله ۱۹۵۹- اگر انسان در چند شهر که فصل های آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها در یک وقت به دست نمی آید گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول یک سال حساب شود، چنانچه چیزی که اول می رسد به اندازه نصاب یعنی ۲۸۸ من ۴۵ مثقال کم باشد باید زکات آن را موقعی که می رسد بدهد و زکات بقیه را هر وقت به دست می آید ادا نماید و اگر آنچه اول می رسد به اندازه نصاب نباشد صبر می کند تا بقیه آن برسد. پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکات آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود، زکات آن واجب نیست.

مسئله ۱۹۶۰- اگر درخت خرما یا انگور در یک سال دو مرتبه میوه دهد، چنانچه روی هم به مقدار نصاب باشد، بنابر اظهر زکات آن واجب است.

مسئله ۱۹۶۱- اگر زکات خرما یا کشمش بر او واجب باشد نمی تواند زکات را از رطب تازه یا انگور بدهد ولی می تواند رطب تازه یا انگور را به مستحق بفروشد بعد بدهی او را از بابت زکات حساب کند.

مسئله ۱۹۶۲- اگر زکات خرما یا خشک یا کشمش بر او واجب باشد نمی تواند زکات آن را خرما یا انگور بدهد و نیز اگر زکات خرما یا انگور بر او واجب باشد، نمی تواند زکات آن را خرما یا خشک یا کشمش بدهد. اما اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکات بدهد مانعی ندارد.

مسئله ۱۹۶۳- کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکات آن واجب شده اگر بمیرد، باید اول تمام زکات را از مالی که زکات آن واجب شده بدهند، بعد قرض او را ادا نمایند.

مسئله ۱۹۶۴- کسی که بدهکار است و گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد، اگر بمیرد و پیش از آن که زکات اینها واجب شود، ورثه قرض او را از مال دیگر بدهند، هر کدام که سهمشان به

۲۸۸ من ۴۵ مثقال کم برسد، باید زکات بدهد و اگر پیش از آن که زکات اینها واجب شود، قرض او را ندهند چنانچه مال میت فقط به اندازه بدهی او باشد واجب نیست زکات اینها را بدهند و اگر مال میت بیشتر از بدهی او باشد، در صورتی که بدهی او به قدری است که اگر بخواهند آدا نمایند باید مقداری از گندم و جو و خرما و انگور را هم به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبکار می دهند زکات ندارد و بقیه مال ورثه است و هر کدام آنان که سهمش به اندازه نصاب شود، باید زکات آن را بدهد.

مسئله ۱۹۶۵- اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکات آنها واجب شده خوب و بد دارد باید زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آنها بدهد و یا زکات همه را از خوب و بد بدهد و به احتیاط واجب زکات همه را از بد نمی تواند بدهد.

نصاب طلا

مسئله ۱۹۶۶- طلا دو نصاب دارد:

نصاب اول آن بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن هجده نخود است، پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد، اگر شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد انسان باید یک چهلیم آن را که نه نخود می شود از بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست.

نصاب دوم آن اضافه شدن چهار مثقال شرعی است که سه مثقال معمول می شود یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود، باید زکات تمام هجده مثقال را از قرار یک چهلیم بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود، فقط باید زکات پانزده مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هرچه بالا رود، یعنی اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده زکات ندارد.

نصاب نقره

مسئله ۱۹۶۷- نقره دو نصاب دارد:

نصاب اول آن ۱۰۵ مثقال معمولی است که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد انسان باید یک چهلیم آن را که ۲ مثقال و ۱۵ نخود است از بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد، زکات آن واجب نیست.

نصاب دوم آن ۲۱ مثقال است یعنی اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام

۱۲۶ مثقال را به طوری که گفته شد بدهد و اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود، فقط باید زکات ۱۰۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هرچه بالا رود، یعنی اگر ۲۱ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود مقداری که اضافه شده و کمتر از ۲۱ مثقال است زکات ندارد. بنابراین اگر انسان یک چهلیم هرچه طلا و نقره دارد بدهد، زکاتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است مثلاً کسی که ۱۱۰ مثقال نقره دارد، اگر یک چهلیم آن را بدهد، زکات ۱۰۵ مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری هم برای ۵ مثقال آن داده که واجب نبوده است.

مسئله ۱۹۶۸- کسی که طلا یا نقره او به اندازه نصاب است، اگرچه زکات آن را داده باشد، تا وقتی از نصاب اول کم نشده، همه ساله باید زکات آن را بدهد.

مسئله ۱۹۶۹- زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که آن را سگّه زده باشند و معامله با آن رایج باشد و اگر نقش آن هم از بین رفته باشد، باید زکات آن را بدهند.

مسئله ۱۹۷۰- طلا و نقره سگّه داری که زنها برای زینت به کار می برند، اگر معامله با آن رایج است زکات دارد.

مسئله ۱۹۷۱- کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچ کدام آنها به اندازه نصاب اول نباشد مثلاً ۱۰ مثقال نقره و ۱۴ مثقال طلا داشته باشد، زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۷۲- چنان که سابقاً گفته شد زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که انسان یا زده ماه مالک مقدار نصاب باشد و اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره او از نصاب اول کمتر شود، زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۷۳- اگر در بین یازده ماه طلا و نقره ای را که دارد با طلا یا نقره، یا چیز دیگر عوض نماید یا آنها را آب کند، زکات بر او واجب نیست. ولی اگر برای فرار از دادن زکات این کارها را بکند، احتیاط مستحب آن است که زکات را بدهد.

مسئله ۱۹۷۴- اگر در ماه دوازدهم، سگّه طلا و نقره را آب کند، باید زکات آنها را بدهد و چنانچه بواسطه آب کردن، وزن یا قیمت آنها کم شود باید زکاتی را که پیش از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

مسئله ۱۹۷۵- اگر طلا و نقره ای که دارد خوب و بد داشته باشد، می تواند زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهد ولی بهتر است زکات همه آنها را از طلا و نقره خوب بدهد.

مسئله ۱۹۷۶- طلا و نقره ای که بیشتر از اندازه معمولی فلز دیگر دارد، اگر خالص آن به اندازه نصاب که مقدار آن گفته شد برسد، انسان باید زکات آن را بدهد و چنانچه شک دارد که خالص آن به اندازه نصاب هست یا نه، بنابر احتیاط واجب باید به وسیله آب کردن یا از راه

دیگر مقدار خالص آن را معلوم کند یا مقدار محتمل را زکات بدهد تا یقین به بریء الذمه شدن خود پیدا کند.

مسئله ۱۹۷۷- اگر طلا و نقره‌ای که دارد به مقدار معمول، فلز دیگر با آن مخلوط باشد، نمی‌تواند زکات آن را از طلا و نقره‌ای بدهد که بیشتر از معمول، فلز دیگر دارد ولی اگر به قدری بدهد که یقین کند طلا و نقره خالصی که در آن هست، به اندازه زکاتی می‌باشد که بر او واجب است، اشکال ندارد.

زکات شتر و گاو و گوسفند

مسئله ۱۹۷۸- زکات شتر و گاو و گوسفند غیر از شرطهایی که گفته شد، دو شرط دیگر دارد: اول: آن که حیوان در تمام سال بیکار باشد و ملاک تشخیص بیکار بودن در تمام سال نظر عرف و اهل خبره است.

دوم: آن که در تمام سال از علف بیابان بچرد، پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده، یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کس دیگری است بچرد زکات ندارد. و مبنای این شرط هم مثل شرط اول نظر عرف و اهل خبره است.

مسئله ۱۹۷۹- اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته بخرد، یا اجاره کند، وجوب زکات آن مشکل است، ولی احتیاطاً زکات را بدهد، اما اگر برای چراندن در آن باج داده باشد باید زکات آن را بدهد.

نصاب شتر

مسئله ۱۹۸۰- شتر دوازده نصاب دارد:

اول: پنج شتر و زکات آن یک گوسفند است و تا شماره شتر به این مقدار نرسد زکات ندارد.

دوم: ده شتر و زکات آن دو گوسفند است.

سوم: پانزده شتر و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم: بیست شتر و زکات آن چهار گوسفند است.

پنجم: بیست و پنج شتر و زکات آن پنج گوسفند است.

ششم: بیست و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال دوم شده باشد.

هفتم: سی و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

هشتم: چهل و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

نهم: شصت و یک شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.
 دهم: هفتاد و شش شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشند.
 یازدهم: نود و یک شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشند.
 دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر از آن است که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا یک شتری بدهد که داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا یک شتری بدهد که داخل سال چهارم شده باشد و یا با چهل و پنجاه حساب کند. ولی در هر صورت باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند، از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صد تا، دو شتری که داخل سال چهارم شده و برای چهل تا یک شتر ماده ای که داخل سال سوم شده باشد بدهد. و شتری که در زکات داده می شود حتماً باید ماده باشد و اگر ندارد، نر بدهد و چنانچه هیچ یک را به سن های ذکر شده ندارد باید بخرد و در خریدن نر یا ماده اختیار دارد.

مسئله ۱۹۸۱: زکات مابین دو نصاب واجب نیست پس اگر شماره شترهایی که دارد از نصاب اول که پنج تا است بگذرد، تا به نصاب دوم که ده تا است نرسیده، فقط باید زکات پنج تای آن را بدهد. و همچنین است در نصابهای بعد.

نصاب گاو

مسئله ۱۹۸۲: گاو دو نصاب دارد:

نصاب اول آن سی تا است که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک گوساله ای که داخل سال دوم شده از بابت زکات بدهد.
 نصاب دوم آن چهل است و زکات آن یک گوساله ماده ای است که داخل سال سوم شده باشد و زکات مابین سی و چهل واجب نیست مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد، فقط باید زکات سی تای آنها را بدهد و نیز اگر از چهل گاو زیادتر داشته باشد تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و بعد از آن که به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو گوساله ای که داخل سال دوم شده بدهد و همچنین هر چه بالا رود، باید سی تا سی تا حساب کند یا چهل تا چهل تا یا با سی و چهل حساب نماید و زکات آن را به دستوری که گفته شده بدهد، ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید به حساب سی و چهل حساب کند و برای سی تای آن زکات سی تا و برای چهل تای آن زکات چهل تا را بدهد، چون اگر به حساب سی تا حساب کند، ده تا زکات نداده می ماند. ولی در جایی که رعایت این جهت ممکن نیست، مثل آن که

پنجاه گاو داشته باشد احتیاط آن است که چهل را بگیرد اگرچه باز هم ده تا زیاد می آید.

نصاب گوسفند

مسئله ۱۹۸۳- گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل و زکات آن یک گوسفند است و تا گوسفند به چهل نرسد زکات ندارد.

دوم: صد و بیست و یک و زکات آن دو گوسفند است.

سوم: دویست و یک و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم: سیصد و یک و زکات آن بنابر احتیاط واجب، چهار گوسفند است.

پنجم: چهار صد و بالاتر از آن است، که باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تای آنها یک گوسفند بدهد. و لازم نیست زکات را از خود گوسفندها بدهد، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد، یا مطابق قیمت گوسفند، پول بدهد کافی است ولی اگر بخواهد جنس دیگر بدهد، در صورتی بی اشکال است که برای فقرا بهتر باشد، اگرچه لازم نیست.

مسئله ۱۹۸۴- زکات مابین دو نصاب واجب نیست، پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است در نصابهای بعد.

مسئله ۱۹۸۵- زکات شتر و گاو و گوسفندی که به مقدار نصاب برسد واجب است، چه همه آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.

مسئله ۱۹۸۶- در زکات، گاو و گاو میش یک جنس حساب می شود و شتر عربی و غیر عربی یک جنس است و همچنین بز و میش و شیشک در زکات با هم فرق ندارند.

مسئله ۱۹۸۷- اگر گوسفند برای زکات بدهد، بنابر احتیاط واجب اقلاً داخل سال دوم شده باشد، و اگر بز بدهد احتیاطاً داخل سال سوم شده باشد.

مسئله ۱۹۸۸- گوسفندی را که بابت زکات می دهد، اگر قیمتش از قیمت گوسفندهای متوسط در بین نصاب کمتر باشد اشکال دارد و بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر است بدهد و همچنین است در گاو و شتر.

مسئله ۱۹۸۹- اگر چند نفر با هم شریک باشند، هر کدام آنان که سهمش به نصاب اول رسیده، باید زکات بدهد و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است زکات واجب نیست.

مسئله ۱۹۹۰- اگر یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم به اندازه نصاب باشند، باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۱۹۹۱- اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مریض و معیوب هم باشند، باید زکات آنها را

بدهد.

مسئله ۱۹۹۲- اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد همه مریض یا معیوب یا پیر باشند، می تواند زکات را از خود آنها بدهد. ولی اگر همه سالم و بی عیب و جوان باشند نمی تواند زکات آنها را مریض، یا معیوب، یا پیر بدهد. بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض و دسته ای معیوب و دسته دیگر بی عیب و مقداری پیر و مقداری جوان باشند، احتیاط واجب آن است که برای زکات آنها سالم و بی عیب و جوان بدهد.

مسئله ۱۹۹۳- اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو و گوسفند و شتری را که دارد با چیز دیگر عوض کند، یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد و چهل گوسفند دیگر بگیرد، زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۹۴- کسی که باید زکات گاو و گوسفند و شتر را بدهد، اگر زکات آنها را از مال دیگرش بدهد، تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده، همه ساله باید زکات را بدهد و اگر از خود آنها بدهد و از نصاب اول کمتر شوند، زکات بر او واجب نیست مثلاً کسی که چهل گوسفند دارد، اگر از مال دیگرش زکات آنها را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده، همه ساله باید یک گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده، زکات بر او واجب نیست.

مصرف زکات

مسئله ۱۹۹۵ - انسان می تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند:

اول: فقیر و آن کسی است که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه ای دارد که می تواند مخارج سال خود را بگذراند، فقیر نیست.

دوم: مسکین و آن کسی است که از فقیر سخت تر می گذراند.

سوم: کسی که از طرف امام علیه السلام یا نایب امام مأمور است که زکات را جمع و نگهداری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه السلام یا نایب امام یا فقرا برساند.

چهارم: کافرهایی که اگر زکات به آنان بدهد به دین اسلام مایل می شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند. و همچنین مسلمانانی که ایمان ضعیف دارند که اگر زکات به آنان بدهند ایمانشان قوی می شود یا مسلمانانی که اعتقاد به ولایت حضرت علی علیه السلام ندارند که اگر زکات به آنها داده شود به ولایت رغبت پیدا می کنند.

پنجم: خریداری بندهایی که در شدت باشند و آزاد کردن آنان.

ششم: بدهکاری که نمی تواند قرض خود را بدهد به شرطی که قرض صرف در معصیت نشده باشد.

هفتم: سبیل الله، یعنی کاری که مانند ساختن مسجد، منفعت عمومی دینی دارد، یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد به هر نحو که باشد. ولی مالک بنابر احتیاط واجب نمی تواند زکات را بدون اذن امام علیه السلام یا نایبش در این مورد (مورد هفتم) مصرف نماید.

هشتم: ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده؛ و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

مسئله ۱۹۹۶ - جایز است در یک دفعه بیش از مخارج سال فقیر به او بدهند، ولی به تدریج اگر بدهند نباید بیش از مخارج سالش بگیرد.

مسئله ۱۹۹۷ - کسی که مخارج سالش را داشته اگر مقداری از آن را مصرف کند و بعد شک کند که آنچه باقی مانده به اندازه مخارج سال او هست یا نه، نمی تواند زکات بگیرد.

مسئله ۱۹۹۸ - صنعتگر یا مالک یا تاجری که درآمد او از مخارج سالش کمتر است، می تواند برای کسری مخارجش زکات بگیرد. و لازم نیست ابزار کار یا ملک یا سرمایه خود را به مصرف

مخارج برساند مگر این که ابزار کار یا سرمایه او به قدری زیاد است که بتواند آن را تعویض یا تبدیل به چیز دیگر کند و مقداری برایش بماند که زندگی را بدون مشقت و عسر بگذرانند که در این صورت لازم است این کار را انجام دهد.

مسئله ۱۹۹۹- فقیری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد، اگر خانه دارد که ملک اوست و در آن نشسته، یا وسیله سواری دارد، چنانچه بدون اینها نتواند زندگی کند، اگرچه برای حفظ آبرویش باشد، می تواند زکات بگیرد و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارد. و فقیری که اینها را ندارد، اگر به اینها احتیاج داشته باشد، می تواند از زکات خریداری نماید.

مسئله ۲۰۰۰- فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست، بنابر احتیاط واجب باید یاد بگیرد و با گرفتن زکات زندگی نکند، ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است، می تواند زکات بگیرد.

مسئله ۲۰۰۱- به کسی که قبلاً فقیر بوده و می گوید فقیرم، اگرچه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند، می شود زکات داد.

مسئله ۲۰۰۲- کسی که می گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، اگر از ظاهر حالش گمان پیدا شود که فقیر است، می شود به او زکات داد.

مسئله ۲۰۰۳- کسی که باید زکات بدهد، اگر از فقیری طلبکار باشد، می تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۰۴- اگر فقیر بدهکار بمیرد و ترکه ای که وافی به بدهیش باشد نداشته باشد، انسان می تواند طلبی را که از او دارد بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۰۵- چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می دهد لازم نیست به او بگوید که زکات است بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مستحب است به طوری که دروغ نشود به اسم پیشکش بدهد ولی باید قصد زکات نماید.

مسئله ۲۰۰۶- اگر به خیال این که کسی فقیر است به او زکات بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده، یا از روی ندانستن مسئله به کسی که می داند فقیر نیست زکات بدهد، چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد، باید از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر از بین رفته باشد، پس اگر کسی که زکات را گرفته می دانسته یا احتمال می داده که زکات است، انسان باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد، ولی اگر به غیر عنوان زکات داده نمی تواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکات را به مستحق بدهد، و در همه صور می تواند از مال خودش زکات را بدهد و از کسی که گرفته مطالبه نکند.

مسئله ۲۰۰۷- کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد اگر چه مخارج سال خود را داشته باشد، می تواند برای دادن قرض خود زکات بگیرد ولی اگر مالی را که قرض کرده بود در معصیت خرج کرده باشد از سهم بدهکاران نمی توان به او داد، اما از سهم فقرا می شود به او داد، هر چند از آن معصیت توبه نکرده باشد.

مسئله ۲۰۰۸- اگر به کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، زکات بدهد، بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده، چنانچه آن بدهکار فقیر باشد، می تواند آنچه را به او داده بابت زکات حساب کند ولی اگر چیزی را که گرفته در شرابخواری یا به طور آشکارا در معصیت صرف کرده و از معصیت خود توبه نکرده، بنابر احتیاط واجب باید چیزی را که به او داده بابت زکات حساب نکند.

مسئله ۲۰۰۹- کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد اگر چه فقیر نباشد، انسان می تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۱۰- مسافری که خرجی او تمام شده، یا مرکبش از کار افتاده، چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی خود را به مقصد برساند، اگر چه در وطن خود فقیر نباشد، می تواند زکات بگیرد. ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، می تواند زکات بگیرد.

مسئله ۲۰۱۱- مسافری که در سفر در مانده شده و زکات گرفته، بعد از آن که به وطنش رسید، اگر چیزی از زکات زیاد آمده باشد، در صورتی که بدون مشقت نتواند بقیه را به صاحب مال یا نایب او برساند باید آن را به حاکم شرع بدهد و بگوید آن چیز، زکات است و اگر نتواند به حاکم شرع بدهد به مؤمنین عادل و در غیر این صورت خودش آن را در موارد زکات مصرف کند.

شرایط کسانی که مستحق زکاتند

مسئله ۲۰۱۲- کسی که زکات می گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد، و اگر از راه شرعی شیعه بودن کسی ثابت شود و به او زکات بدهد، و زکات تلف شود بعد معلوم شود شیعه نبوده، لازم نیست دوباره زکات بدهد.

مسئله ۲۰۱۳- اگر طفل یا دیوانه ای از شیعه فقیر باشد، انسان می تواند به ولی او زکات بدهد، به قصد این که آنچه را می دهد ملک طفل یا دیوانه یا مصرف آنها باشد.

مسئله ۲۰۱۴- اگر به ولی طفل و دیوانه دسترسی ندارد، می تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین، زکات را به مصرف طفل یا دیوانه برساند و باید موقعی که زکات به مصرف آنان می رسد نیت زکات کنند. و اگر طفل ممیز است و اطمینان دارد که در همان مواردی صرف می کند که ولی او صرف می کرد، می توان به خود طفل نیز داد و همچنین به سفیه، با اطلاع ولی او، می توان زکات داد.

مسئله ۲۰۱۵- به فقیری که گدایی می کند، می شود زکات داد، ولی به کسی که زکات را در معصیت مصرف می کند نمی شود زکات داد.

مسئله ۲۰۱۶- به کسی که معصیت کبیره را آشکارا بجای آورد، احتیاط واجب آن است که زکات ندهند.

مسئله ۲۰۱۷- به کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد اگرچه مخارج او بر انسان واجب باشد، می شود زکات داد. ولی اگر زن برای خرجی خودش قرض کرده باشد شوهر نمی تواند بدهی او را از زکات بدهد، بلکه اگر کس دیگری هم که مخارج او بر انسان واجب است برای خرجی خود قرض کند احتیاط واجب آن است که بدهی او را از زکات ندهد.

مسئله ۲۰۱۸- انسان نمی تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد، خرجشان بر او واجب است از زکات بدهد، ولی دیگران می توانند به آنان زکات بدهند.

مسئله ۲۰۱۹- اگر انسان زکات به پسرش بدهد که خرج زن و خد مکار خود نماید اشکال ندارد.

مسئله ۲۰۲۰- اگر پسر به کتابهای علمی دینی احتیاج داشته باشد پدر می تواند برای خریدن آنها به او زکات بدهد.

مسئله ۲۰۲۱- پدر می تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد پسر هم می تواند برای آن که پدرش زن بگیرد زکات خود را به او بدهد.

مسئله ۲۰۲۲- به زنی که شوهرش مخارج او را می دهد، یا خرجی نمی دهد، ولی زن می تواند او را به دادن خرجی مجبور کند، نمی شود زکات داد.

مسئله ۲۰۲۳- زنی که صیغه شده اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران می توانند به او زکات بدهند. ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد، یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد یا زن بتواند او را مجبور کند، نمی شود به آن زن زکات داد.

مسئله ۲۰۲۴- زن می تواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، اگرچه شوهر، زکات را صرف مخارج خود آن زن نماید.

مسئله ۲۰۲۵- سید نمی تواند از غیر سید زکات بگیرد، ولی اگر خمس و سایر وجوهات، کفایت مخارج او را نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد، می تواند از غیر سید زکات بگیرد. ولی احتیاط واجب آن است که اگر ممکن باشد، فقط به مقداری که برای مخارج سالانه اش ناچار است بگیرد و اگر در اثناء سال بی نیاز شد آن را پس بدهد یا با اذن زکات دهنده به مصرف مستحقین زکات برساند.

مسئله ۲۰۲۶- به کسی که معلوم نیست سید است یا نه، می شود زکات داد.

نیت زکات

مسئله ۲۰۲۷- انسان باید زکات را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و در نیت معین کند که آنچه را می دهد زکات مال است، یا زکات فطره. ولی اگر مثلاً زکات گندم و جو بر او واجب باشد، لازم نیست معین کند چیزی را که می دهد زکات گندم است یا زکات جو.

مسئله ۲۰۲۸- کسی که زکات چند مال بر او واجب شده، اگر مقداری زکات بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، چنانچه چیزی را که داده هم جنس یکی از آنها باشد، زکات همان جنس حساب می شود و اگر هم جنس هیچ کدام آنها نباشد، به همه آنها قسمت می شود پس کسی که زکات چهل گوسفند و زکات پانزده مثقال طلا بر او واجب است، اگر مثلاً یک گوسفند از بابت زکات بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، زکات گوسفند حساب می شود، ولی اگر مقداری نقره بدهد، به زکاتی که برای گوسفند و طلا بدهکار است تقسیم می شود.

مسئله ۲۰۲۹- اگر کسی را وکیل کند که زکات مال او را بدهد همین اندازه که مالک نیت داشته باشد کافی است، خواه وکیل نیت کند یا نه. و همین که مالک به وکیل می گوید این زکات را به فقیر بدهد نیت است.

مسئله ۲۰۳۰- اگر مالک یا وکیل او بدون قصد قربت زکات را به فقیر بدهد و پیش از آن که آن مال از بین برود، خود مالک، نیت زکات کند، زکات حساب می شود.

مسائل متفرقه زکات

مسئله ۲۰۳۱- موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و موقع خشک شدن خرما و انگور، انسان باید زکات را به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند. و زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه دوازدهم باید به فقیر بدهد، یا از مال خود جدا نماید. ولی بعد از جدا کردن اگر منتظر فقیر معینی باشد، یا بخواهد به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد، می تواند زکات را به انتظار او ولو تا چند ماه نگهدارد.

مسئله ۲۰۳۲- بعد از جدا کردن زکات لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد ولی اگر به کسی که می شود زکات داد دسترسی دارد، لازم است که دادن زکات را تأخیر نیندازد.

مسئله ۲۰۳۳- کسی که می تواند زکات را به مستحق برساند اگر ندهد و بواسطه کوتاهی او از بین برود باید عوض آن را بدهد.

مسئله ۲۰۳۴- کسی که می تواند زکات را به مستحق برساند، اگر زکات را ندهد، و بدون آن که در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود، چنانچه غرض صحیحی در تأخیر زکات نداشته باید عوض آن را بدهد، ولی اگر غرض صحیحی داشته مثلاً فقیر معینی را در نظر داشته یا می خواسته تدریجاً به فقرا برساند، ضامن نیست.

مسئله ۲۰۳۵- اگر زکات را از خود مال کنار بگذارد، می تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد، می تواند در تمام مال تصرف نماید.

مسئله ۲۰۳۶- انسان نمی تواند زکاتی را که کنار گذاشته، برای خود بردارد و چیز دیگری بجای آن بگذارد.

مسئله ۲۰۳۷- اگر از زکاتی که کنار گذاشته منفعتی برد مثلاً گوسفندی که برای زکات گذاشته بره بیاورد، مال فقیر است.

مسئله ۲۰۳۸- اگر موقعی که زکات را کنار می گذارد مستحقّی حاضر باشد، بهتر است زکات را به او بدهد، مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکات به او از جهتی بهتر باشد.

مسئله ۲۰۳۹- اگر با عین مالی که برای زکات کنار گذاشته برای خودش تجارت کند صحیح نیست و اگر با اجازه حاکم شرع برای مصحلت زکات تجارت کند، تجارت صحیح و نفعش مال زکات است.

مسئله ۲۰۴۰- اگر پیش از آن که زکات بر او واجب شود، چیزی بابت زکات به فقیر بدهد، زکات حساب نمی شود و بعد از آن که زکات بر او واجب شد، اگر چیزی را که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد، می تواند چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۴۱- فقری که می داند زکات بر انسان واجب نشده، نمی تواند چیزی از باب زکات از او بگیرد و اگر بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است پس موقعی که زکات بر انسان واجب می شود، اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد، می تواند عوض چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۴۲- فقری که نمی داند زکات بر انسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود، ضامن نیست و انسان نمی تواند عوض آن را بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۴۳- مستحب است زکات گاو و گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهد و در دادن زکات، خویشان خود را بر دیگران و اهل علم و کمال را بر غیر آنان، و کسانی را که اهل سؤال نیستند بر اهل سؤال مقدم بدارد. ولی اگر دادن زکات به فقری از جهت دیگری بهتر باشد، مستحب است زکات را به او بدهد.

مسئله ۲۰۴۴- بهتر است زکات را آشکار، و صدقه مستحبی را مخفی بدهند.

مسئله ۲۰۴۵- اگر در شهر کسی که می خواهد زکات بدهد مستحق نباشد و نتواند زکات را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند باید زکات را به شهر دیگر ببرد و به مصرف زکات برساند، و مخارج بردن به آن شهر به عهده او نیست و می تواند مخارج بردن به آن شهر را از زکات بردارد گرچه احتیاط مستحب است که خودش بدهد ولی اگر زکات تلف شود ضامن نیست.

مسئله ۲۰۴۶- اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می تواند زکات را به شهر دیگر ببرد. ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود ضامن است، مگر آن که با اجازه حاکم شرع برده باشد.

مسئله ۲۰۴۷- اجرت وزن کردن، پیمانه نمودن گندم و جو و کشمش و خرمایی را که برای زکات می دهد، با خود اوست و اگر پرداخت نکرد و با فقیر هم در مورد اجرت آن مصالحه نکردند از زکات داده می شود.

مسئله ۲۰۴۸- کسی که ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره یا بیشتر، از بابت زکات بدهکار است، می تواند کمتر از ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره هم به یک فقیر بدهد و نیز اگر غیر نقره چیز دیگری مثل گندم و جو بدهکار باشد و قیمت آن به ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره هم برسد می تواند به یک فقیر کمتر از آن بدهد.

مسئله ۲۰۴۹- مکروه است انسان از مستحق درخواست کند که زکاتی را که از او گرفته به او بفروشد، ولی اگر مستحق بخواهد چیزی را که گرفته بفروشد بعد از آن که به قیمت برساند، کسی که زکات را به او داده در خریدن آن بر دیگران مقدم است.

مسئله ۲۰۵۰- اگر شک کند زکاتی را که بر او واجب بوده داده یا نه و مال زکات دار موجود باشد باید زکات را بدهد و اگر عین آن مال تلف شده زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۲۰۵۱- فقیر نمی تواند زکات را به کمتر از مقدار آن صلح کند یا چیزی را گرانتر از قیمت آن بابت زکات قبول نماید، یا زکات را از مالک بگیرد و به او ببخشد. ولی کسی که زکات زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمی تواند زکات را بدهد و امید هم ندارد که دارا شود چنانچه بخواهد توبه کند، فقیر می تواند زکات را از او بگیرد و به او ببخشد.

مسئله ۲۰۵۲- انسان می تواند از زکات، قرآن یا کتاب دینی یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید، اگرچه بر اولاد خود و بر کسانی وقف کند که خرج آنان بر او واجب است. و نیز می تواند تولیت وقف را برای خود یا اولاد خود قرار دهد.

مسئله ۲۰۵۳- انسان نمی تواند از زکات، ملک بخرد و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر

او واجب است وقف نماید که عایدی آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

مسئله ۲۰۵۴- فقیر می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی تواند از سهم فقرا زکات بگیرد ولی از سهم سییل الله می تواند.

مسئله ۲۰۵۵- اگر مالک، فقیری را وکیل کند که زکات مال او را بدهد چنانچه آن فقیر احتمال دهد که قصد مالک این بوده که خود آن فقیر از زکات بر ندارد، نمی تواند چیزی از آن را برای خودش بردارد، و اگر یقین داشته باشد که قصد مالک این نبوده، برای خودش هم می تواند بردارد.

مسئله ۲۰۵۶- اگر فقیر شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره را بابت زکات بگیرد، چنانچه شرطهایی که برای واجب شدن زکات گفته شد در آنها جمع شود باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۲۰۵۷- اگر دو نفر در مالی که زکات آن واجب شده با هم شریک باشند و یکی از آنان زکات قسمت خود را بدهد و بعد مال را تقسیم کنند، چنانچه بداند شریکش زکات سهم خود را نداده، تصرف او در سهم خودش هم اشکال دارد.

مسئله ۲۰۵۸- کسی که خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، چنانچه نتواند همه آنها را بدهد، اگر مالی که خمس یا زکات آن واجب شده، از بین نرفته باشد، باید خمس و زکات را بدهد و اگر از بین رفته باشد، می تواند خمس یا زکات را بدهد، یا کفاره و نذر و قرض و مانند اینها را ادا نماید.

مسئله ۲۰۵۹- کسی که خمس یا زکات بدهکار است و حجة الاسلام بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را بر حج و قرض قسمت نمایند و اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، باید مال او را صرف حج نمایند و در صورتی که چیزی باقی باشد به خمس و زکات و قرض قسمت نمایند.

مسئله ۲۰۶۰- کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم، واجب یا مستحب باشد می شود به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن به او اشکال دارد.

زکات فطره

مسئله ۲۰۶۱- کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هشیار است و فقیر و بنده کس دیگر نیست باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق بدهد و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد کافی است.

مسئله ۲۰۶۲- کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

مسئله ۲۰۶۳- انسان باید فطره کسانی را که در غروب شب عید فطر نان خور او حساب می شوند بدهد؛ کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر.

مسئله ۲۰۶۴- اگر کسی را که نانخور اوست و در شهر دیگر است وکیل کند که از مال او فطره خود را بدهد چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را می دهد، لازم نیست خودش فطره او را بدهد.

مسئله ۲۰۶۵- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحبخانه وارد شده و نانخور او حساب می شود، بر او واجب است.

مسئله ۲۰۶۶- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می شود و مدتی نزد او می ماند واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده اند که خرجی او را بدهد.

مسئله ۲۰۶۷- فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می شود، بر صاحبخانه واجب نیست، اگرچه پیش از غروب او راد عوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.

مسئله ۲۰۶۸- اگر کسی موقع غروب شب عید فطر دیوانه یا بیهوش باشد، زکات فطره بر او واجب نیست.

مسئله ۲۰۶۹- اگر پیش از غروب بچه بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد، یا فقیر غنی شود، در صورتی که شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکات فطره را بدهد.

مسئله ۲۰۷۰- کسی که موقع غروب شب عید فطر، زکات فطره بر او واجب نیست، اگر تا پیش از ظهر روز عید شرطهای واجب شدن فطره در او پیدا شد مستحب است زکات فطره را بدهد.

مسئله ۲۰۷۱- کافری که بعد از غروب شب عید فطر مسلمان شده فطره بر او واجب نیست. ولی

مسلمانی که شیعه نبوده، اگر بعد از دیدن ماه شیعه شود، باید زکات فطره را بدهد.

مسئله ۲۰۷۲- کسی که فقط به اندازه یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم و مانند آن دارد، مستحب است زکات فطره را بدهد و چنانچه عیالاتی داشته باشد و بخواهد فطره آنها را هم بدهد می تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از عیالاتش بدهد و او هم به همین قصد به دیگری بدهد و همچنین تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر چیزی را که می گیرد به کسی بدهد که از خودشان نباشد. و اگر یکی از آنها صغیر باشد، احتیاط آن است که او را در دور دادن زکات فطره داخل نکنند و چنانچه ولی صغیر از طرف او قبول نماید باید آن زکات فطره را به مصرف صغیر برساند، نه این که از طرف او به دیگری بدهد. و بهتر است ولی از طرف خودش بگیرد و سپس از جانب صغیر پرداخت کند.

مسئله ۲۰۷۳- اگر بعد از غروب شب عید فطر بچه دار شود، یا کسی نانخور او حساب شود، واجب نیست فطره او را بدهد. اگر چه مستحب است فطره کسانی را که بعد از غروب تا پیش از ظهر روز عید نانخور او حساب می شوند بدهد.

مسئله ۲۰۷۴- اگر انسان نانخور کسی باشد و پیش از غروب نانخور کس دیگر شود، فطره او بر کسی که نانخور او شده واجب است مثلاً اگر دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود، شوهرش باید فطره او را بدهد.

مسئله ۲۰۷۵- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

مسئله ۲۰۷۶- اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد، بر خود انسان واجب نمی شود.

مسئله ۲۰۷۷- اگر کسی که فطره او بر دیگری واجب است خودش فطره را بدهد، در صورتی که با اذن مکلف و به نیابت او باشد کافی است.

مسئله ۲۰۷۸- زنی که شوهرش مخارج او را نمی دهد، چنانچه نانخور کس دیگر باشد، فطره اش بر آن کس واجب است و اگر نانخور کس دیگر نیست، در صورتی که فقیر نباشد، باید فطره خود را بدهد. و اگر زن به شوهر خود انفاق می کند (به خاطر شدت احتیاج شوهر) فطره او بر زن واجب است.

مسئله ۲۰۷۹- کسی که سید نیست نمی تواند به سید فطره بدهد حتی اگر سیدی نانخور او باشد نمی تواند فطره او را به سید دیگر بدهد.

مسئله ۲۰۸۰- فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می خورد، بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می دهد. ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل برمی دارد فطره طفل بر کسی واجب نیست.

مسئله ۲۰۸۱- انسان اگر چه مخارج عیالاتش را از مال حرام بدهد، باید فطره آنان را از مال حلال بدهد.

مسئله ۲۰۸۲- اگر انسان کسی را اجیر نماید و شرط کند که مخارج او را بدهد در صورتی که به شرط خود عمل کند و نانخور او حساب شود باید فطره او را هم بدهد ولی چنانچه شرط کند که مقدار مخارج او را بدهد و مثلاً پولی برای مخارجش بدهد، دادن فطره او واجب نیست.

مسئله ۲۰۸۳- اگر کسی بعد از غروب شب عید فطر بمیرد، باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از غروب بمیرد، واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

مصرف زکات فطره

مسئله ۲۰۸۴- اگر زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که سابقاً برای زکات مال گفته شد برساند کافی است. ولی احتیاط واجب آن است که فقط به فقرای شیعه بدهد.

مسئله ۲۰۸۵- اگر طفل شیعه‌ای فقیر باشد، انسان می تواند فطره را به مصرف او برساند، یا بواسطه دادن به ولی طفل، ملک طفل نماید.

مسئله ۲۰۸۶- فقیری که فطره به او می دهند، لازم نیست عادل باشد ولی احتیاط واجب آن است که به شرابخوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می کند فطره ندهند.

مسئله ۲۰۸۷- به کسی که فطره را در معصیت مصرف می کند نباید فطره بدهند.

مسئله ۲۰۸۸- احتیاط واجب آن است که به یک فقیر کمتر از یک صاع که تقریباً سه کیلو است فطره ندهند و اگر بیشتر بدهند اشکال ندارد.

مسئله ۲۰۸۹- اگر از جنسی که قیمتش دو برابر قیمت معمولی آن است مثلاً از گندمی که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است، نصف صاع که معنای آن در مسئله پیش گفته شد بدهد، کافی نیست. و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد کفایت نمی کند.

مسئله ۲۰۹۰- انسان نمی تواند نصف صاع را از یک جنس مثلاً گندم و نصف دیگر آن را از جنس دیگر مثلاً جو بدهد. و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد، بلکه کافی نیست.

مسئله ۲۰۹۱- مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را، بعد اهل علم فقیر را، ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آنها را مقدم بدارد.

مسئله ۲۰۹۲- اگر انسان به خیال این که کسی فقیر است به او فطره بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده چنانچه مالی را که به او داده از بین نرفته باشد، می تواند پس بگیرد و به مستحق بدهد و اگر

نتواند بگیرد، باید از مال خودش فطره را بدهد و اگر از بین رفته باشد، در صورتی که گیرنده فطره می دانسته یا احتمال می داده آنچه را گرفته فطره است، باید عوض آن را بدهد و الا، دادن عوض بر او واجب نیست و انسان باید دوباره فطره را بدهد.

مسئله ۲۰۹۳- اگر کسی بگوید فقیرم، نمی شود به او فطره داد مگر آن که اطمینان پیدا کند یا از ظاهر حالش گمان پیدا شود که فقیر است یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است.

مسائل متفرقه زکات فطره

مسئله ۲۰۹۴- انسان باید زکات فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و موقعی که آن را می دهد، نیت دادن فطره نماید.

مسئله ۲۰۹۵- اگر پیش از ماه رمضان فطره را بدهد صحیح نیست و احتیاط واجب آن است که در ماه رمضان هم فطره را ندهد. ولی اگر پیش از رمضان یا در ماه رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آن که فطره بر او واجب شد، طلب خود را بابت فطره حساب کند مانعی ندارد.

مسئله ۲۰۹۶- گندم یا چیز دیگری را که برای فطره می دهد، باید به جنس دیگر یا خاک مخلوط نباشد، یا اگر مخلوط است چیزی که مخلوط شده به قدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد و اگر بیش از این مقدار باشد در صورتی صحیح است که خالص آن به یک صاع برسد ولی اگر مثلاً یک صاع گندم به چندین من خاک مخلوط باشد که خالص کردن آن خرج یا کار بیشتر از متعارف دارد، دادن آن کافی نیست.

مسئله ۲۰۹۷- اگر فطره را از چیز معیوب بدهد کافی نیست.

مسئله ۲۰۹۸- کسی که فطره چند نفر را می دهد، لازم نیست همه را از یک جنس بدهد و اگر مثلاً فطره بعضی را گندم و فطره بعض دیگر را جو بدهد کافی است.

مسئله ۲۰۹۹- کسی که نماز عید فطر می خواند، بنا بر احتیاط واجب باید فطره را پیش از نماز عید بدهد یا قبل از نماز جدا کند، ولی اگر نماز عید نمی خواند، می تواند دادن فطره را یا جدا کردن آن را تا ظهر تأخیر بیندازد.

مسئله ۲۱۰۰- اگر به نیت فطره، مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید به مستحق ندهد، احتیاط مستحب آن است که هر وقت آن را می دهد نیت فطره نماید.

مسئله ۲۱۰۱- اگر موقعی که دادن زکات فطره واجب است، فطره را ندهد و کنار هم نگذارد، احتیاط مستحب آن است که قضا کند ولی اظهر آن است که دیگر بر او واجب نیست ولی معصیت کرده است.

مسأله ۲۱۰۲- اگر فطره را کنار بگذارد، نمی تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد.

مسأله ۲۱۰۳- اگر انسان مالی داشته باشد که قیمتش از فطره بیشتر است، چنانچه فطره را ندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد اشکال دارد.

مسأله ۲۱۰۴- اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه دسترس به فقیر داشته و دادن فطره را تأخیر انداخته، باید عوض آن را بدهد و اگر دسترس به فقیر نداشته ضامن نیست، مگر آن که در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

مسأله ۲۱۰۵- در صورتی که زکات فطره را از مال خود جدا کرده باشد اگر در محلّ خودش مستحق پیدا شود، احتیاط واجب آن است که فطره را بجای دیگر نبرد و اگر بجای دیگر برود تلف شود، باید عوض آن را بدهد.